

جهانی شدن و چالشهای فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور

علی صحبت‌لو^۱

محمدحسن میرزامحمدی^۲

چکیده

یکی از ابعادی که به شدت تحت تأثیر جهانی شدن قرار گرفته، فرهنگ است به گونه‌ای که امروزه از «جهانی شدن فرهنگ» بحث به میان می‌آید. از آنجا که دانشگاه محل تولید، ارزیابی و انتقال فرهنگ بوده و دانشجو نیز به عنوان یکی از عناصر کلیدی این فرایند به حساب می‌آید، این مسئله مطرح می‌شود که چالشهای فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی ما در شرایط جهانی شدن کدامند؟ بر اساس این مراتب، در مقاله حاضر، تأثیرات جهانی شدن بر فرهنگ دانشجویی در دو بخش فرصتها و چالشها تبیین می‌شود. از مهم‌ترین فرصتهای جهانی شدن برای فرهنگ دانشجویی ما می‌توان به آسان شدن زمینه برای آگاهی دانشجویان از فرهنگهای دیگر و تعامل سازنده با آنها اشاره کرد. از سوی دیگر، از مهم‌ترین چالشهای جهانی شدن برای فرهنگ مطلوب دانشجویی ما، می‌توان به تلاش غرب برای سیطره فرهنگی بر کشورهای دیگر از جمله کشور ما از طریق معرفی فرهنگ خود به عنوان «فرهنگ برتر» نام برد. روش انجام پژوهش، تحلیل اسنادی بوده و به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌های لازم، اسناد و مدارک موجود، مرتبط و در دسترس با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها، جمع‌آوری و به شیوه کیفی تحلیل شده‌اند.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، فرهنگ، دانشجو، چالشها.

*تاریخ دریافت: ۸۷/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۰۸/۲۰

۱. کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت - (نویسنده مسئول) آدرس: زنجان، اراضی پایین کوه، مجتمع آسمان، بلوک ۱۱ شرقی، واحد ۸، نمابر: ۰۲۴۱۴۲۵۴۸۰۰ Email: alisohbatlo1982@yahoo.com
۲. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار دانشگاه شاهد تهران، Email: mirzamohammadi@shahed.ac.ir

مقدمه

دانشجویان، انتقال‌دهندگان فرهنگ جدید هستند. معنای فرهنگ جدیدی که دولت‌ها تفسیر می‌کنند برای مریبان موضوع مهمی بوده و در هر جامعه‌ای به بحث گذارده می‌شود. «جهانی‌شدن، فرهنگ را دوباره تعریف می‌کند؛ چرا که مرزهای زمانی و مکانی و روابط افراد را برای آنها توسعه می‌دهد و موجب کاهش مشروعیت نهادهای سیاسی ملی در تعریف تجدد می‌گردد». (کارنوی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶)

جهانی‌شدن به طور حتم شرایط تشکیل هویت را تغییر می‌دهد. در هر جامعه‌ای، افراد از هویت‌های چندگانه‌ای برخوردارند. «امروزه هویت جهانی شده آنها بر حسب روشی تعریف می‌گردد که بازارهای جهانی به رفتار و خصوصیات افراد ارزش می‌نهند. این امری دانش‌محور است، اما بازارهای جهانی به برخی از دانش‌ها اهمیت بیشتری می‌دهند. یکی از مشخص‌ترین عمده بازارهای جهانی این است که آنها بر دانش علمی و فنی ارزش بیشتری را می‌گذارند و کمتر به مهارت‌های محلی و صنعتگری توجه می‌کنند که بیشتر، نیازهای اصلی‌تر را رفع می‌کنند». (همان، ص ۱۱۰)

البته جهانی‌شدن تنها نیرویی نیست که فرهنگ جدید را تغییر می‌دهد. جنبش‌های مهم اجتماعی هم برای حمایت از غرابت فرهنگی و کنترل محلی بر زندگی افراد و محیط آنان با جهانی‌شدن به چالش برخاسته‌اند. هسته‌های سنتی فرهنگی؛ یعنی مذهب، ملی‌گرایی، روابط زن و مرد و روابط قدرتها که در جایگاه‌های تاریخی ریشه دارند، در این میان به دام افتاده‌اند. (همان، ص ۱۱۱)

جنبش‌های فعالی چون جنبش برابری حقوق زنان با مردان و طرفداران محیط زیست، چشم‌اندازی پست‌مدرنیستی داشته و در تضاد مستقیم با جهانی‌شدن هستند. آنها می‌کوشند مفهوم «جهانی» را در دانشگاه دوباره تعریف کنند. برای مثال، جنبش برابری حقوق زنان به تدریج به فرهنگ جهانی شکل می‌دهد تا ابتدا در حیطه آموزش و سپس در بازارهای کار، برابری و یکسانی جنسیتی به وجود آید. طرفداران محیط زیست از طریق برنامه‌های زیست‌محیطی در دانشگاه‌های جهان تأثیر بسیاری را بر فرهنگ جهانی گذارده‌اند. این جنبش‌های فعال و پیشگیرانه بر تعریف دانشگاه از فرهنگ جدید جهانی تأثیر می‌گذارند و از این جهت، مشابهت زیادی را با چالش‌هایی دارند که در برابر تعریف فنی - اقتصادی از فرهنگ جهانی عرضه می‌شود. در این کشمکشها، دانشگاه‌ها نقش اساسی را دارند.

مفهوم فرهنگ

فرهنگ اسم مرکبی است که ریشه اوستایی دارد و از دو قسمت «فر» و «هنگ» تشکیل شده است؛ قسمت اول، پیشوند و قسمت دوم، «ثنگ»^۱ به معنای کشیدن و فرهیختن است (معین، ۱۳۷۱، ص ۱۱۳۹). بنابر این، فرهنگ یعنی بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن.

فرهنگ در تاریخ ادبیات ایران، در معنای قدیمی خود ترجمه لغت «Education» به معنای آموزش و تعلیم و تربیت است و در بسیاری از متون گذشته و حتی حال حاضر می‌توان تأثیر این گونه ترجمه را مشاهده کرد. وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز با این ترجمه از فرهنگ، معناسازی کرده‌اند. اما مفهوم «Culture» با اینکه دارای ریشه لاتین قدیم است، ولی در قرون اخیر توسط دانشمندان علوم اجتماعی و انسان‌شناسان، تحول و در عین حال گسترش پیدا کرده و به مجموعه آداب و رسوم، باورهای دینی، علم، هنر و اخلاقیات اطلاق شده و در زبان فارسی نیز در دهه‌های اخیر در همین معنی به کار رفته است. (آشوری، ۱۳۵۷، ص ۸)

در تعریف فرهنگ، تعاریف و برداشتهای فراوانی صورت پذیرفته است. اندیشمندان غربی و ایرانی با زاویه نگرش خاص خود به تعریف این واژه و جایگاه آن در جامعه بشری پرداخته‌اند.

آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، علم و دانش، معرفت، عقل، بزرگی، سنجیدگی، حکمت، کتاب لغت، آثار علمی و ادبی یک قوم و ملت، هنر، صنعت، ارزشهای یک جامعه، خود نخواستن، راه و رسم زندگی یک جامعه و... معناهای گوناگون واژه «فرهنگ» در زبان فارسی است. (عمید، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۶۶)

در فرهنگ معین، فرهنگ به معنی ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و علوم و معارف و هنرهای یک قوم توصیف شده است. (معین، ۱۳۷۱)

«آنتونی گیدنز» فرهنگ را از ارزشهای اعضای یک گروه معین می‌داند و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند. (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۳۶)

«ژان برگ» فرهنگ را عصاره زندگی اجتماعی می‌داند که در تمامی افکار، اهداف، معیارها، ارزشها و فعالیتهای فردی و اجتماعی انسان منعکس می‌شود. (پاول مارک، ۱۳۷۶)

داریوش آشوری فرهنگ را همان فشرده تجربه‌های بشری در طول «تاریخ» می‌داند که از راه

تجربه و آموزش سرراست یا ناسرراست، جهانی را به فرد بشری باز می‌رساند و او را در جهان ویژه خویش قرار می‌دهد که او در آن هدایت بشری، خویش را بازمی‌یابد. (آشوری، ۱۳۵۷، ص ۸)

برخی دیگر، خاستگاه فرهنگ را فصل تمایز انسان از حیوان می‌دانند و مجموعه‌ای از دانش، ادب، اخلاق، نظام ارزشی، عقاید، افکار و اندیشه‌ها را مراد از فرهنگ می‌دانند (رفیع، بی‌تا، ص ۲۷۳).

برخی نیز بر این باورند که فرهنگ میراث مادی و معنوی تاریخی هر ملت و قومی است (کاشفی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). به نظر می‌رسد بهترین و کامل‌ترین تعریف از واژه فرهنگ توسط «ادوارد بارت تایلور»^۱ صورت گرفته و اکثر تعاریف بعدی پژوهشگران غربی نیز تحت تأثیر آن بوده است. وی می‌گوید: «فرهنگ کلیت در هم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر گونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد». (آشوری، ۱۳۵۷، ص ۲۲۴)

دکتر شریعتی فرهنگ را مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی یک قوم یا نژاد خاص در طول تاریخ تعریف می‌کند. (شریعتی، ۱۳۵۹، ص ۱۴)

«کروبر»^۲ (۱۹۶۰-۱۸۷۶ م) می‌نویسد: «دو اصطلاح فرهنگ و تمدن در اینجا دربرگیرنده یکدیگرند و اساساً در برخی موارد با تفاوت‌های جزئی، مترادف - نه متباین و متضاد - با یکدیگر به کار رفته‌اند؛ زیرا هر دو به گونه‌ای، بیانگر سطوح گوناگون و متمایز موضوعی مشابه‌اند. معمولاً تمدن، متضمن معنی پیشرفت عالی یک جامعه مترقی است و فرهنگ نیز اصطلاح متداول و کلی‌تری در همین زمینه و این دو واژه به طور همسان به میراث‌های جوامع و بازمانده‌های عالی آنها اطلاق پذیر است». (دانیل، ص ۱۱)

نتیجه‌ای که از تعاریف محققان و پژوهشگران علوم مختلف می‌توان حاصل کرد آن است که دو واژه فرهنگ و تمدن، از نظر علم منطق، شامل قانون عموم و خصوص مطلق می‌باشند و هیچ گونه تضاد و تباینی بین آنها مشاهده نمی‌شود. به عبارتی دیگر؛ هر دو در یک مفهوم و معنی به کار برده می‌شود، منتها دامنه تمدن وسیع‌تر از فرهنگ است؛ به این معنی که تمدن، لفظی است عام که شامل فرهنگ نیز می‌شود و فرهنگ، عضوی از تمدن به حساب می‌آید (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۴۹). بنابراین، فرهنگ یعنی: آموزش و پرورش، علم و دانش، معرفت، عقل، حکمت، کتاب لغت، آثار

1. Edward Burnett Tylor
2. Kroeber

جهانی‌شدن و چالشهای فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور ۵۱

علمی و ادبی یک قوم و ملت، ارزشهای یک جامعه، راه و رسم زندگی یک جامعه و مجموعه آداب و رسوم، باورهای دینی، علم و هنر و اخلاقیات.

فرهنگ از جمله واژه‌ها و مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی است که با وجود کاربرد بسیار فراوان، اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. این تنوع و تفاوت گسترده، از یک سواز دیدگاهها و برداشتهای متفاوت پژوهشگران نشئت می‌گیرد و از سوی دیگر بر پیچیدگی و سیالیت زندگی اجتماعی دلالت دارد. فرهنگ در وسیع‌ترین معنی کلمه، به دو شیوه تفسیر می‌شود: «یکی به عنوان کردارها و آدابی که تشکیل‌دهنده خود واقعیت اجتماعی هستند و دیگری به عنوان چیزی که در گذشته، حوزه مجزایی از جامعه بوده و اکنون وارد همه جنبه‌های زندگی اجتماعی شده است». (نش، ۱۳۸۴، ص ۵۰)

«جان تامپسون» ۱ (۱۹۹۰) تمام تعریفهای ارائه شده در عرصه فرهنگ را به چهار دسته کلی تقسیم کرده است:

۱. تعریفهای سنتی کلاسیک که فرهنگ را نشانه رشد و تعالی معنوی یک جامعه می‌دانند؛
 ۲. تعریفهای توصیفی یا تشریحی که به دنبال توصیف فرهنگ و مشخص کردن نهادها و عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ هستند؛
 ۳. تعریفهای نمادگرایانه که فرهنگ را کلتی می‌دانند که از طریق نمادهای متجلی در جامعه شناخته می‌شود؛
 ۴. تعریفهای نمادگرایانه ساخت‌گرا که ارتباطی ناگسستنی میان نهاد و ساختار جامعه برقرار می‌کنند. (دژاکام، ۱۳۸۷، ص ۹۲)
- «مانوئل کاستلز» نیز از ظهور فرهنگ جدیدی خبر می‌دهد که آن را «فرهنگ مجاز واقعی» می‌خواند. وی معتقد است «پیدایش سیستم نوین ارتباطات الکترونیکی که ویژگی آن: قلمرو جهانی، یکپارچه‌سازی همه رسانه‌های ارتباطی و تعامل بالقوه است، در حال تغییر فرهنگ ماست و آن را برای ابد دگرگون می‌سازد». وی این فرهنگ جدید در حال ظهور را فرهنگ مجاز واقعی می‌نامد. (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۳۸۴)

در تبیین‌های جامعه‌شناختی، فرهنگ به عنوان یک نظام ارزشی عامل برای جامعه عمل

می‌کند. فرهنگ دانشجویی با رجوع به گذشته ایرانی - اسلامی خود، می‌تواند به انسجام جامعه کمک کند. در واقع؛ به دلیل ارتباطاتی که دانشجویان با لایه‌های مختلف جامعه دارند، «نقش روشنفکران توزیع‌کننده را بازی می‌کنند؛ به این معنا که از میان نیاز جامعه تشخیص می‌دهند، انتخاب کرده و به طور مرتب به عنوان مطالبات خود در حرکت‌های دانشجویی تکرار می‌کنند و همین تکرار مفاهیم، به تدریج جای خود را برای ظهور یک فرهنگ و رفتار سیاسی جدید در جامعه باز می‌کند.» (دژاکام، ۱۳۸۱، ص ۵۱)

جایگاه و اهمیت دانشگاه و نقش آن در تحولات دنیای جدید

در چند دهه آخر قرن بیستم میلادی، مهم‌ترین مسئله دانشگاه در جهان، عمومی شدن آن است. در واقع؛ با توجه به گسترش کمی دانشگاه‌ها در سراسر جهان، میزان دانشجویان از ۱۳ میلیون در سال ۱۹۶۵م به ۸۲ میلیون در سال ۱۹۹۵ رسیده است. این وجه عمومی شدن، باعث پیدایش برخی نقشها و مسئولیتهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جدید برای دانشگاهها شده که عبارتند از:

۱. تغییر ترکیب دانشجویان: در گذشته از طبقات بالا و میانه شهری به آموزش علم و تحقیق می‌پرداختند، اما امروزه آموزش علم و تحصیلات آکادمیک به شدت فراگیر شده است.
۲. تنوع نقش دانشگاه: امروزه علاوه بر جایگاه آموزشی و پژوهشی دانشگاه، به اهمیت فرهنگی و سیاسی و اقتصادی آن پی برده شده است.
۳. شکل‌گیری تعارض بین آموزش و پژوهش: امروزه هر جامعه‌ای آموزش را برای تربیت نیروهای انسانی می‌خواهد و پژوهش را برای حال و استفاده بهینه از نتایج آموزش و بهره‌مندی از تولید علم.
۴. کاهش تولید دانش دست اول: در عصر حاضر به خاطر سرعت انتقال دانشهای خارجی، از جمله دانش مونتاژ به دلیل کم‌هزینه‌تر بودن تولید دانش دست اول کاهش یافته است.
۵. انعکاس تحولات جامعه؛ دانشگاه به عنوان نهادی مدرن، منشأ تغییر و تغییرپذیری است و تحولات جامعه در آن انعکاس می‌یابد.
۶. ضرورت تحول در دانشگاه: دانشگاه تداوم همان چیزی است که در جامعه می‌گذرد و در حقیقت؛ دانشگاه در فرم کلی خود، انعکاس واقعیت جامعه است و اگر جامعه پرتحرک و با نشاط باشد، دانشگاه منشأ تحول می‌شود.

جهانی‌شدن و چالش‌های فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور ♦ ۵۳

۷. حفظ هویت تاریخی: تا هر نسلی بتواند گذشته خود را بازآفرینی کند و از وجوه مثبت آن همراه با دستاوردهای مثبت دنیای جدید، ترکیب منطقی ایجاد کند.

۸. مسئولیت دیگر نهادها: دانشگاهها در ایران به دلیل نبود نهادهای دیگری که در جوامع پیشرفته تر هست، عهده‌دار مسئولیتهای آنان می‌شوند.

۹. ضرورت برخورد منطقی با دانشگاه: دانشگاه به عنوان یک نهاد متمدن و جدید که متکی بر دانشهای جدید است، باید مورد شناخت و توجه و حمایت قرار بگیرد. (وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۶، ص ۴۹)

اهمیت دانشگاه و پرداختن به همه ابعاد آن، از آن روست که رشد و توسعه خردورزی و رشد فرهنگ علنی از نیازهای اساسی جامعه است. دانشگاه کانون اندیشیدن است و امروزه توسعه علمی به عنوان نقطه ارتقا و توسعه فرهنگی و سیاسی کشور فقط با تحرک علمی و اندیشه در محیط دانشگاه می‌تواند سامان بگیرد.

آموزش عالی علاوه بر پرورش متخصصان مورد نیاز جامعه در امور صنایع و فنون مختلف مسئولیتهای دیگری هم دارد. دانشجویان در مراحل آموزشی خود به شکوفایی انسانی و خلاقیت و ابتکار و ترقی می‌رسند و درک بهتر مسائل اجتماعی برایشان راحت تر می‌شود. در واقع؛ آموزش عالی علاوه بر رفع حوائج جامعه، مسیر ترقی و تکامل انسان را برای آینده مشخص می‌کند و با تربیت شخصیت، فکر و روح جوانان، زمینه‌های شکل‌گیری جامعه‌ای پیشرفته و حرکت به سوی تمدن را فراهم می‌کند. (وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۶، ص ۴۹). «تربیت عمومی»، «توسعه میراث فرهنگی» و «حل مسائل جامعه»، به عنوان کارکردهای دانشگاه، آن را به سرمنشأ تحول تبدیل می‌کند. (شریعتمداری، ۱۳۵۴، ص ۵)

به طور کلی موارد فوق در سه کارکرد عمده دانشگاه و آموزش عالی طبقه‌بندی شده‌اند:

۱. تولید دانش (پژوهش)؛ ۲. انتقال دانش (آموزش)؛ ۳. اشاعه و نشر دانش (خدمات).

کارکردهای دانشگاه

به عقیده «هانس ون جنکل» دانشگاه یعنی تشکیلات و چارچوبی که خلاقیت و نوآوری را به حداکثر توان بالقوه می‌رساند. تولید علم و خلاقیت در نظام آموزشی می‌تواند دانشگاه را در

پاسخ به نیازهای روز جامعه و حل مشکلات بنیادی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه کمک کند. (ون جنکل، ۱۳۷۶، ص ۱۰۳)

دومین کارکرد عمده آموزش عالی، انتقال دانش تولیدی به نسلهای جوان است تا به تربیت دانش‌آموختگان فرهیخته و نیروی انسانی متخصص برای جامعه پردازد. دانشگاهها با این کارکرد خود، عامل اصلی پیدایش و شکل‌گیری اندیشه‌ها و جهان‌بینی‌های نو و نهضت‌های فلسفی و اجتماعی و فضای مناسبی برای برخورد و تعامل افکار هستند. (اجتهادی، ۱۳۷۷، ص ۳۹)

کارکرد سوم دانشگاه؛ یعنی اشاعه و نشر دانش، به معنای آن است که دانشگاه باید نتایج یافته‌های علمی خود را در اختیار جامعه از جمله دستگاههای اجرایی، صنعتی، کشاورزی، بازرگانی، فرهنگی، سیاسی و نظامی قرار دهد. کاربرد و بهره‌برداری از فعالیتهای علمی در همه سطوح اجتماع، حاکی از میزان تأثیر نهاد مدرنی به نام دانشگاه در ترقی و توسعه پایدار جوامع از زمان تأسیس این نهاد تا کنون است.

اینکه دانشگاه با این سه کارکرد عمده چطور می‌تواند به تمدن‌سازی و توسعه در همه ابعاد کمک کند، ناشی از ارتباط متقابل نهادهای آموزشی و پژوهشی به عنوان تولیدگر و ارائه‌دهنده علم و روشها و نوآوری علمی با ساختارهای اقتصادی و صنعتی جامعه به عنوان مصرف‌گر نوآوری‌های علمی و تأثیرگذار بر عملکرد نظام آموزشی است. فعالیتها و تحقیقات دانشگاهی به صنعت و جذب فناوری جدید جهت ترقی و توسعه بیشتر کمک می‌کند. این مهم به طرق ذیل امکان‌پذیر است:

۱. نهادینه‌سازی تمایل و نوآوری صنعتی از سوی دانشگاه انجام می‌شود؛
۲. تهیه و تنظیم برنامه آموزشی بر اساس فرصتها و نیازهای آینده بخش صنعت؛
۳. آموزش دانش‌آموختگان به طوری که آماده جذب مراکز صنعتی و ارائه علم و تخصص به مراکز صنعتی شوند. (نقوی گیلانی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۴)

آموزش عالی تسهیل‌کننده فرهنگی است و این کار را با اشاعه و تبلیغ تفکر و بازآفرینی فرهنگ و پرورش فرهنگ توسعه انجام می‌دهد. نهاد آموزشی در شناساندن سنن تاریخی و فرهنگی و مذهب یک جامعه و کمک به حفظ و انتقال آنان مفید است و از سوی دیگر، جامعه را به سوی توسعه فرهنگی به عنوان پیش‌نیاز توسعه اقتصادی و اجتماعی ترقی می‌دهد. آموزش عالی

جهانی‌شدن و چالش‌های فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور ۵۵

می‌تواند با ایجاد تحوّل در نگرشها و باورهای افراد، محدودیتهای فکری و فرهنگی را کاهش دهد و ضمن انتقال دانش، تصمیم‌گیری عقلانی را جایگزین همه‌موانع بکند. این تأثیر به شکل حاکمیت نگرش علمی، توجه عقلانی به دنیا، اعتقاد به برابری انسانها، رعایت حقوق دیگران، پذیرش نظم جمعی در امور، ایجاد انگیزه برای پیشرفت، توجه به ارزشهای اکتسابی و حاکمیت شایستگی ظاهر می‌شود. (ابراهیم‌بای، ۱۳۷۲، ص ۱۰۱)

نظام آموزشی باید بتواند در افراد به جای حس سرنوشت‌پذیری انفعالی، احساس توانایی غلبه بر مشکلات را تقویت کند و به لحاظ رفتاری، انسان جامعه‌صنعتی را مشارکت‌جو کند. تفکر منطقی و عقلانی داشته باشد و انعطاف‌پذیری ذهنی و جلوگیری از سخت‌ذهنی و لجاجت فکری را ویژگی مسلّم افراد دانش‌آموخته کند.

به عقیده «نیرره»، نقش دانشگاه در کشورهای در حال توسعه، همکاری کردن، خلق افکار جدید، ارائه نیروی انسانی و کمک به افزایش برابری انسانها، کمک به تعالی یافتن مقام بشری و تکامل انسانی است. (نیرره، ۱۹۹۶، ص ۱۲)

دانشگاه برای تثبیت هویت فرهنگی در سه ساحت می‌کوشد: ۱. اندیشه و صورت؛ ۲. راهبرد و روش؛ ۳. سیاست و دین. (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۶، ص ۵۲)

ارتباط تنگاتنگ دانشها با جامعه و از جمله فرهنگ جامعه، باعث شده تا کشورهایی که در معرض وابستگی‌های سیاسی، اجتماعی، صنعتی و... هستند، به دفاع از ارزشهای فرهنگی جامعه خود برخیزند.

سیاست آموزشی هر جامعه‌ای نمی‌تواند جدا از فرهنگ آن باشد و به رشد هم برسد. نظام آموزشی باید جهان‌بینی و قالبهای فکری جامعه را درک کرده، در برقراری ارتباط و سازگاری با آن بکوشد. نظام آموزشی دانشگاهی هر جامعه‌ای در ارتباط تنگاتنگ با حوزه فرهنگی و تمدنی آن جامعه قرار دارد.

فرهنگ مطلوب دانشجویی

دانشگاه بحق در عصر کنونی یکی از بزرگ‌ترین کانونهای آزاداندیشی و جایگاه تجلی، پرورش و تعالی افکار انسان است. در دانشگاه است که آینده هر کشوری به دست صاحبان علم و پژوهشگران شکل می‌پذیرد. بنابر این، جای هیچ تردیدی نیست که دانشگاه و دانشگاهیان سهم

عظیمی در تعالی فرهنگ و استحکام بخشیدن به زیرساختهای تمدن یک کشور دارند. بنابراین، دانشگاه وظیفه خطیر فرهنگ‌سازی و انتقال فرهنگ مطلوب به دانشجویان را برعهده دارد. از چنین نهاد مقدسی که رسالت سنگینی بر دوش دارد، انتظار می‌رود که در زمینه رشد و پرورش تزکیه دانشجویان، گسترش فضای معنوی و روحانی، رشد فضایل اخلاقی و مقابله با ترویج افکار و عقاید انحرافی و تهاجمات فرهنگی، همچنین ایجاد بستری مناسب برای بهره‌گیری مطلوب از ظرفیتهای دانشجویی در عرصه‌های مختلف فرهنگی به ایفای نقش بپردازد.

رسالت اصلی دانشگاه اسلامی، تربیت انسان و هدف اساسی دانشجوی، رسیدن به کمالات والای انسانی است. در فرع این تربیت انسانی، دانشجوی مسلمان دو وظیفه مهم دیگر بر عهده دارد: نخست اینکه، کوشش کند تا به بالندگی علمی، آموزشی و پژوهشی برسد و جامعه دانشگاهی را سیراب کند و رسالت دیگر او هنگامی است که وارد جامعه شده و با رویدادها و مناسبات اجتماعی و سیاسی مواجه می‌شود. دانشجو باید در قبال سرنوشت جامعه با کوله‌باری از تعهد و دانش، به نقادی و اصلاح بپردازد. گزاردن این دو وظیفه، تأمین آینده‌ای آباد برای خود و جامعه است. (مجله گلبرگ، ۱۳۸۱، ص ۴۸)

دانشجوی مسلمان باید آئینه فرهنگ اسلام باشد و در پی تلاش، دقت، پیشرفت، شکوفایی، عدالت‌خواهی و نشاط؛ نه اینکه آئینه دل او زنگار بسته باشد. این آئینه مکدر، دانشجوی مسلمان نیست. فرهنگ دانشجوی ایرانی، فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) است. (همان، ص ۵۰)

طبق نظریه‌ای که در مورد دانشجویان وجود دارد، دانشجویان، عامل و مولد «فرهنگ جدید سیاسی» در جامعه هستند (دژاکام، ۱۳۸۷، ص ۹۳). از این منظر، آدمیان و شهروندان پیش از آنچه در زندگی روزانه از عقل حسابگر خود فرمان بگیرند، از «فرهنگ» جامعه فرمان می‌گیرند؛ یعنی از همان الگوهایی که در جامعه جا افتاده و مردم بدون واریسی در صحت و سقم آنها، از آنها پیروی می‌کنند. از این زاویه، بخش اعظم سیاست در جامعه از طریق الگوهای فرهنگ سیاسی جامعه شکل می‌گیرد. معمولاً فرهنگ و به خصوص فرهنگ سیاسی، به مرور زمان تحت سیطره و هژمونی سیاسی - تبلیغی دستگاههای رسمی و حاکم بر جامعه شکل می‌گیرد (همان، ۱۳۸۱، ص ۵۱). به عبارتی؛ دانشجویان نقش روشنفکران توزیع‌کننده را بازی می‌کنند. به این معنا که از میان اندیشه‌های روشنفکران در خصوص مفاهیم و نظریات گوناگون، تعدادی از آنها را که مرتبط با نیاز زمانه تشخیص می‌دهند، انتخاب و به طور مرتب به عنوان مطالبات خود در حرکت‌های

جهانی‌شدن و چالشهای فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور ۵۷

دانشجویی تکرار می‌کنند و همین تکرار مفاهیم به تدریج جای خود را برای ظهور یک فرهنگ و رفتار سیاسی جدید در جامعه باز می‌کند.

امام خمینی (ره) نیز دانشجویان را دارای مسئولیتهایی نسبت به جامعه دانسته‌اند که رئیس مهم‌ترین آنها بدین قرار است: بیدارسازی خفتگان، آگاه‌سازی ملتها، طرد روحانی‌نماهای منحرف، استفاده از فرصتها، دفاع از اسلام و میهن، زنده نگه داشتن شعائر اسلام، اعتلای پرچم اسلام در دانشگاهها، تحصیل علم با کمال جدیت، خودیابی و خودباوری (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۶-۲۲۴). چنانچه ملاحظه می‌شود در اندیشه امام خمینی (ره)، دانشجویان نقشی اساسی را در دادن فکر سیاسی - اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایفا می‌کنند.

جهانی‌شدن

در هزاره سوم میلادی، پرسشهای عمده‌ای که ذهن و زبان فیلسوفان، متفکران و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به خود مشغول کرده، مقوله جهانی‌شدن است. در زبان انگلیسی، «Globalization» و در زبان عربی، «العولمه»؛ کلمات معادل جهانی‌شدن یا جهان‌گرایی هستند.

از مفهوم جهانی‌شدن، تعاریف گوناگون و گاه متعارضی ارائه شده است؛ به طوری که قرائتی واحد و یکسان از آن وجود ندارد. به همین دلیل، این مفهوم از فقدان یک اجماع نظری جهانی رنج می‌برد. (رابرتسون، ۱۳۸۰)

«پراتون»^۱ جهانی‌شدن را فرایندی از تحول می‌داند که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگها را افزایش می‌دهد. به نظر وی، جهانی‌شدن پدیده‌ای چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فناوری است و همچنین فعالیتهای اجتماعی همچون کوشش برای سلامت، محیط زیست را متأثر می‌کنند. (بهکیش، ۱۳۸۰)

«هلد»^۲ نیز معتقد است که در یک تعریف شهودی، جهانی‌شدن روندی است که از جریان

1. Perraton

2. Held

یافتن رو به افزایش کالاها، پول، مردم، اطلاعات و فرهنگ و رای مرزها تغذیه شده و به آن منتهی می‌شود. (مانور و کین، ۱۳۸۰)

به نظر «مالکوم واترز»^۱، جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن، قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند. (واترز، ۱۳۸۱)

«مانوئل کاستلز»^۲ با اشاره به عصر اطلاعات، جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد. (کاستلز، ۱۳۸۰)

بر اساس دیدگاهها و برداشتهای مختلف درباره جهانی شدن، می‌توان ادعان داشت که جهانی شدن؛ گسترش مؤلفه‌های مدرنیته در سطح جهان، حرکت آزادانه سرمایه در گستره جهانی، از بین بردن مفهوم مرزهای فعلی، محدود شدن میزان اقتدار حاکمیت‌های جهان، کوچک شدن جهان در اثر پیشرفت وسایل ارتباطات جهانی و گسترش اطلاعات در سطح جهان را به ذهن متبادر می‌کند.

بنابر این، جهانی شدن یک مفهوم چند بُعدی است و از این رو، ارائه یک تعریف جامع و مانع از آن، که مورد قبول همه افراد جامعه باشد، امکان‌پذیر نیست و این نوع برداشتها از مفهوم جهانی شدن، به دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفکران و محیط جغرافیایی و نوع نظام سیاسی حاکم در آنجا و بسیاری از عوامل دیگر بستگی خواهد داشت. جهانی شدن، نظام آموزشی را به شیوه‌ای گوناگون تحت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که امروزه بحث جهانی شدن و تعلیم تربیت، علاوه بر آنکه در سطح محلی و ملی مورد توجه است، در سطح بین‌المللی و جهانی نیز مدنظر است. به همین لحاظ است که سخن از تربیت شهروند جهانی، شهروند الکترونیک و شهروند زیست‌محیطی یا بوم‌شناختی، از مباحث اساسی محافل علمی است.

ویژگی‌های جهانی شدن

جهانی شدن، نقطه بزرگ و به نسبت جدیدی در تاریخ است. متأسفانه افراط و تفریط در بحث‌های جهانی شدن، موجب ساده‌انگاری یا بزرگنمایی شده است. «بایلیس» و «اسمیت»، ویژگی‌های

1. Malcom Waters
2. Castells Manoel

جهانی‌شدن را به شرح ذیل بیان می‌کنند:

۱. جهانی‌شدن در همه جا به یک اندازه، تجربه نشده است.
۲. جهانی‌شدن یک فرایند صریح همگون‌سازی نیست.
۳. جهانی‌شدن، اهمیت مکان، فاصله و مرزهای سرزمینی را از بین نبرده است.
۴. جهانی‌شدن، ترکیب پیچیده نیروهای به هم متصل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بوم‌شناختی است.
۵. جهانی‌شدن، داروی همه دردهای بشریت نیست. (بایلیس و اسمیت، ۱۳۸۲، ص ۲۳)

رهیافتهای کلی در مورد جهانی‌شدن

به طور کلی می‌توان رهیافتهای جهانی‌شدن را در چهار محور ذیل مورد بحث و بررسی قرار داد:

۱. رهیافت رئالیستها؛ از منظر «کنث والتز»، جهانی‌شدن تحوّل جدی در ساختار بین‌الملل ایجاد نمی‌کند. با ورود بازیگرانی غیر از دولت - ملت‌ها، بازیگران بین‌المللی و سیاست بر جهانی‌شدن اقتصاد چیره می‌شوند.
۲. رهیافت لیبرالها؛ «فوکویاما» از این دیدگاه دموکراسی را دلخواه‌ترین شکل حکومت می‌داند که روز به روز در سطح جهان مشروعیت پیدا می‌کند. لیبرالیسم اقتصادی، لیبرالیسم سیاسی را که در دموکراسی متبلور است، به دنبال خواهد داشت. این نگرش، سبب حرکت‌های محسوس در سراسر جهان در جهت پذیرش اقتصاد آزاد و اوج‌گیری جنبشهای دموکراتیک و گسترش الگوهای غربی در فرهنگهای گوناگون شده است.
۳. رهیافت مارکسیستها؛ جهانی‌شدن از دیدگاه مارکسیستهای رادیکال، چهره جدید استعمار است. «سیوانادان» می‌نویسد: اگر امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه‌داری باشد؛ جهان‌گرایی، آخرین مرحله امپریالیسم است. در این نگرش، جهانی‌شدن از زاویه اقتصادی نگریسته می‌شود و محتوای جهانی‌شدن را گسترش جهانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری معرفی می‌کند. «امانوئل والرشتاین» نیز اساس جهانی‌شدن را مبتنی بر گسترش سرمایه‌داری در جهان می‌داند.
۴. رهیافت رفتارگرایان؛ به نظر رفتارگرایان، تحت تأثیر جهانی‌شدن، نظم روابط بین‌المللی

در هم ریخته، نظم نوینی حاکم خواهد شد. در این نظم، دولتها و جوامع به گونه‌ای فزاینده به یکدیگر وابسته می‌شوند و کمتر می‌توانند به مدیریت امور داخلی و خارجی خود بدون توسل به همکاری بین‌المللی بپردازند. (غریب‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۸-۲۶)

سرعت و رشد تحولات در عصر حاضر، چهره دیگری را بر دنیای امروز ترسیم کرده است. جوامع به شدت با چالشهایی روبه‌رو شده‌اند که برخی آن را از ویژگی‌های اصلی جهانی شدن می‌دانند. ابهام و سردرگمی در جوامع، ناشی از تأثیرات جهانی شدن در ابعاد بسیار عمیق و گسترده، اندیشمندان را بر آن داشته که از دیدگاه خوش‌بینی و و بدبینی به موضوع بنگرند. تأثیرات جهانی شدن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در این پژوهش با توجه به اهمیت فرهنگ و نقش آن در عرصه دانشگاهی، تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تأثیرات فرهنگی نظام جهانی در ابعاد وسیع و عمیقی چون: هویت‌های ملی - قومی، جامعه اطلاعاتی، وسایل ارتباطی جهانی، حجم تولیدات علم و... جوامع را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. امروزه شاهد نوعی استقبال و توجه از ورود به «جامعه اطلاعاتی» و عضویت در باشگاه جهانی سازی حتی در نخبگان و روشنفکران کشورهای در حال توسعه هستیم. توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات به ویژه از طریق اینترنت و صفحات وب، جوامع را با چالشهای نوینی روبه‌رو کرده است. در فرایند جهانی سازی یا به تعبیری جهانی شدن، نقش کلیدی فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، بسیار قابل توجه است؛ به طوری که جهانی سازی و جهانی شدن را به یک معنا و در یک امتداد به کار می‌برند.

امروزه دانشجویان در آستانه ورود به خانواده بزرگ جهانی و در حال خروج از فردگرایی و انزوا، با انبوهی از اطلاعات، دنیایی متغیر، ارزشها و هنجارهای متزلزل، تضادهای گروهی، تعارض بین نسلی و... روبه‌رو شده‌اند. باید برای دگرگونی آماده شویم و این امر، نیازمند فرهنگ سازی، آموزش در جهت تقویت رفتارهای عقلانی، گسترش روحیه در حال تغییر، تبیین سرعت تحولات برای افراد جامعه، منسوخ کردن ارزشهای غیر کارا و تطابق ارزشهای سنتی با روشهای عقلانی جدید است تا بتوان از شدت گرفتن کشمکشهای فرهنگی و عصبانهای گروهی در جامعه کاست.

جهانی‌شدن و چالشهای فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور ۶۱

همهٔ جوامع، امروزه نیاز دائمی و بیش از پیش به دانشگاه را تصدیق کرده‌اند و بر این امر واقفند که تحقق جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری، نظم اجتماعی و توسعهٔ پایدار، جز از طریق دانشگاه امکان‌پذیر نیست و در این میان، دانشجویان نقش اساسی را ایفا می‌کنند. با توجه به گستردگی تأثیرات جهانی‌شدن و با در نظر گرفتن آرای صاحب‌نظران، متناسب با رویکردهای متفاوت، رهیافت و پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

تحوّل و بازنگری در حیطهٔ فلسفی و نگرشی در حوزه‌های فکری جامعه و دانشگاهی، اشاعهٔ باورهای علمی و تقویت روحیهٔ انتقادی - منطقی، ارتقای خودپرورشی از طریق خلاقیت، توانایی تصمیم‌گیری سریع و خودآگاهی، افزایش تعداد راههای جدید و گسترش تنوع برنامه‌ای در دانشگاههای کشور، ایجاد بستر مناسب جهت رواج و تقویت روحیهٔ علمی و تحقیقی در بین دانشجویان و استادان، برگزاری گارگاهها و سمینارهایی برای استادان و دانشجویان به منظور آشنایی آنان با رویکردهای نظام جهانی، تقویت ارزشهای معنوی و انسانی چون: برقراری صلح، نوع‌دوستی، همدردی، پرهیز از خودمحوری، ایجاد نگرش مثبت نسبت به تفاوت‌های جنسیتی، جسمی، قومی و نژادی، شکل‌گیری و مشروعیت یافتن نهاد علم در جامعه و ارتباط تنگاتنگ آن با آموزش و پرورش، افزایش تحقیقات علمی کاربردی در دانشگاه و عملی کردن نتایج تحقیقات و تبدیل فعالیتهای علمی و تحقیق از حالت فردی به گروهی.

جهانی‌شدن و تأثیرات فرهنگی

فرهنگ در باورها، پندار، کردار و گفتار مردمان خودنمایی می‌کند و ریشه در وجدان جمعی دارد و در جریان تربیت، در وجدان فردی تجلی پیدا می‌کند. (شیخاوندی، ۱۳۸۲، ص ۸)

تأثیرات فرهنگی نظام جهانی در ابعاد وسیع و عمیقی چون: هویت‌های ملی - قومی، جامعهٔ اطلاعاتی، وسایل ارتباطی جهانی، حجم تولیدات علم و... جوامع را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. در این زمینه دیدگاههای خوش‌بینانه و بدبینانه‌ای وجود دارد که به طور اجمال به آن اشاره می‌شود. جهانی‌شدن، فرایند مزاحم تلقی شده، به نوعی همان امپریالیسم فرهنگی نو محسوب می‌شود. در مقابل «هانرز» معتقد است فرهنگ جهانی محصول نظام اندیشه‌ها نیست، بلکه حاصل سرعت ارتباطات بین فرهنگهای بومی مختلف است.

«دزالی» بر این باور است که: جهانی شدن؛ یعنی اروپایی و آمریکایی شدن. «شون هیلی» نیز جهانی شدن را یک طرح مهندسی در سطح کلان سیستمی می‌داند که ایدئولوژی غربی را تحمیل می‌کند و با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه‌داری، موجب ترویج فرهنگ و اصالت سرمایه‌داری است. (غریب‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۴۱)

«روبرتسون» می‌گوید: ما اصرار می‌ورزیم که جهانی شدن را نباید شکلی از غربی‌شدن به حساب آوریم و باید به تمدن‌ها و جوامع غیر غربی که به فراگرد کلی جهانی شدن کمک کرده‌اند، توجه بیشتری نشان دهیم.

از منظر «شوانگ»، آمریکایی کردن فرهنگ جهانی از طریق فناوری و وسایل ارتباط جمعی، ممکن است به تسلط سیاسی، امپریالیسم فرهنگی، استعمار فکری و در نهایت، نابودی هویت ملی منجر شود. در مقابل، «فوکومایا» جهانی شدن را عامل تشابه فرهنگی می‌داند که با وجود فشارهای اقتصادی، خود را حفظ خواهد کرد.

امروزه شاهد نوعی استقبال و توجه از ورود به جامعه اطلاعاتی و عضویت در باشگاه جهانی سازی حتی در بین نخبگان و روشنفکران کشورهای در حال توسعه هستیم. توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات به ویژه از طریق اینترنت و صفحات وب، جوامع را با چالش‌های نوینی روبه‌رو کرده است. در فرایند جهانی سازی یا به تعبیری جهانی شدن، نقش کلیدی فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات بسیار حائز توجه است؛ به طوری که جهانی سازی و جهانی شدن را به یک معنا و در یک امتداد به کار می‌برند.

«کاستلز» معتقد است جهانی شدن و اطلاعاتی شدن که به دست شبکه‌های ثروت، تکنولوژی و قدرت انجام می‌گیرد، جهان ما را دگرگون می‌سازد. «آنتونی گیدنز» نیز جهانی شدن را فرایند وابستگی متقابل و فزاینده جهان می‌داند. به نظر او، توسعه روابط جهانی در بردارنده نابرابری‌های زیادی میان جوامع جهان سوم است که از جمله عوامل مهم جهانی شدن، خلاقیت و فناوری در عرصه ارتباطات و اطلاعات است. (فرقانی، ۱۳۸۲، ص ۱۶)

جامعه اطلاعاتی؛ یعنی جامعه‌ای که در آن کیفیت زندگی، همانند چشم‌اندازهای تحوّل اجتماعی و توسعه اقتصادی، به میزان رو به‌تزایدی به اطلاعات و بهره‌برداری از آن وابسته شده است. در چنین جامعه‌ای، استانداردهای زندگی، الگوهای کار و فراغت، نظام آموزشی و بازار کار

جهانی‌شدن و چالشهای فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور ۶۳

به میزان محسوسی تحت‌الشعاع پیشرفتهای اطلاعات و دانش قرار می‌گیرند. (محسنی، ۱۳۸۰، ص ۱۸)
جامعه ایران در قرن بیست و یکم بر اساس برنامه توسعه و کاربردی فناوری ارتباطات و اطلاعات، بر سه مفهوم تأکید دارد: توسعه پایدار، اقتدار ملی و اقتصاد توانمند. (شعبانی، ۱۳۸۳، ص ۳)

چالشهای فرهنگی در حوزه آموزش عالی

امروزه آموزش عالی از اساسی‌ترین ارکان خیزش به سمت جهانی شدن محسوب می‌شود. نیروی انسانی ماهر، اصلی‌ترین شاخصه پیشرفت و توسعه کشورها و از مهم‌ترین عوامل قدرتی آنها محسوب می‌شود. در این راستا، توسعه علمی و تقویت نهادهای آموزشی و پژوهشی می‌تواند تمهیدکننده راه به سمت تحقق در سایر زمینه‌های توسعه باشد. نیروی انسانی ماهر به طور عمده از طریق آموزش عالی کارآمد و مؤثر قوام می‌یابد.

آموزش عالی در قرن بیست و یکم در بعد فرهنگی با چالشهایی مواجهه است که به مواردی از آنها به شرح ذیل اشاره می‌شود.

۱. **سنت و تجدد؛** با حضور دانشجو در محیطهای دانشگاهی و مواجه شدن با جریانهای فکری و سیاسی جدید و حتی روشهای زندگی؛ اخلاق نو، ذهنیتها، دغدغه‌ها و نگرانی‌ها نو در شخصیت او پدید می‌آید و لازم است با برنامه‌های هدفمند و با رعایت آزاداندیشی، زمینه گذار از این چالش فراهم شود.

۲. **هویت؛** با توجه به پیشینه درخشان و فرهنگ اصیل ایرانی، در اثر پدیده‌های جدیدی همچون: جهانی شدن، غربگرایی و تهاجم فرهنگی، حفظ هویت اسلامی ایرانی دانشجویان اهمیتی بیش از پیش یافته است.

۳. **اوقات فراغت؛** به مفهوم سردرگمی اکثر دانشجویان در استفاده مطلوب از فرصت زمانی در اختیارشان است که از ابزار لازم جهت بهره‌برداری بهینه از آن برخوردار نیستند.

۴. **فرهنگهای قومی، زبانی و مذهبی (قومیتها و خرده فرهنگها)؛** بایستی بر بستر منطق و گفت‌وگو وحدت‌گرا و بر مبنای تمامیت ارضی و سیاسی و ملیتی ایران اسلامی و با رعایت حرمت و آزادی‌های قانونی همه قومیتها و اقلیتها به گونه‌ای سنجیده و علمی مدیریت شود.

۵. **جهانی‌شدن و تهاجم فرهنگی؛** با تکیه بر قدرت علمی و تکنولوژی کشورهای صنعتی، در پی سيطرة فرهنگ غرب به سایر مناطق جهان بوده و فرهنگهای ملی و منطقه‌ای را در معرض

تأثیر یا تهدید قرار داده است.

۶. مشارکت جویی؛ با توجه به شرایط سنی و روحی دانشجویان و افزایش تمایل به مشارکت صنفی، اجتماعی و سیاسی، در پی حضور در صحنه‌های اظهار نظر، تصمیم‌سازی و فعالیتهای جمعی می‌باشند.

۷. جامعه‌پذیری؛ اوج آن در دوران دانشجویی با همانندسازی دانشجو و جوان با الگوها و هنجارهای اجتماعی تحقق می‌یابد و زمینه‌ساز شکوفایی و بالندگی همه‌جانبه یا انحراف او می‌شود.

۸. اشتغال؛ دانشجویان را در خصوص چگونگی گذراندن عمر خود پس از دانش‌آموختگی و یافتن فرصتی جهت عرضه توانایی‌های علمی و فنی خود به جامعه نگران ساخته است. (وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۶، ص ۸۲)

بنابر این، شایسته است اصلی‌ترین نقش دانشگاه در آموزش عالی، توسعه علوم، تحقیقات و فناوری، تقویت روحیه تحقیق و تتبع و ترویج تفکر خلاق و ارتقای فرهنگ علم‌دوستی باشد تا به این ترتیب، ارزشهای انسانی و اسلامی شکوفا شود و جلوه‌های هنر و زیبایی‌شناسی متجلی گردند و میراث تمدن ایرانی و اسلامی حفظ شود.

فرصتهای جهانی‌شدن برای فرهنگ دانشجویی

دنیای نوین امروز با بحرانهای متعددی روبه‌روست؛ از جمله: بحران معرفت، معنویت، امنیت روانی، هویت، محیط زیست، امنیت حقوقی و فیزیکی و نسیت‌گرایی اخلاقی و معرفتی. بسیاری از نظریه‌پردازان واقع‌گرای غربی، تسلط یک فرهنگ خاص به جهان را در عصر جهانی‌شدن رد کرده‌اند. فرانسیس فوکویاما، با تأیید تفاوت فرهنگها در عصر جهانی‌شدن، یکسان‌سازی فرهنگ را مردود می‌داند. وی قائل به گوناگونی فرهنگی یا عدم یکپارچگی فرهنگها در عصر جهانی‌شدن است و بر این باور است که چند فرهنگی ادامه خواهد یافت. (فوکویاما، ۱۳۸۰)

کوشل می‌گوید: «در عصر جهانی‌شدن، دین مسئولیت ویژه‌ای دارد. فرهنگها و دینها حتی در عصر جهانی‌شدن جایگاه خود را از دست نخواهند داد و جهانی‌شدن با همگون‌شدن یا از بین رفتن فرهنگها متفاوت است، در آینده بشر یک دین وجود نخواهند داشت». برنامه‌ریزان دانشگاه باید آموزش سایر آموزه‌های دینی و فرهنگهای ادیان دیگر و محتوای تطبیقی ادیان را در

جهانی‌شدن و چالش‌های فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور ◇ ۶۵

برنامه‌های آموزشی دانشگاه بگنجانند. (کوشل، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶)

پدیده جهانی‌شدن در حوزه فرهنگ، عرصه مناسبی برای تبادل افکار افراد بشر فراهم آورده است. قرآن کریم به انسان توصیه می‌کند که در عرصه تبادل افکار، از قبول کورکورانه آن پرهیز کنند و با تعقل و تفکر خود، گزینش احسن از این افکار را رقم بزنند.

بنابر این، گرچه رسانه‌های جمعی و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، بشر امروز را با «توده‌ای شناور» از افکار مختلف که در بردارنده «هویت‌های مجازی» گوناگون است، مواجه کرده؛ اما توصیه قرآن کریم در این موارد، تأکید بر «قدرت گزینش» انسان و پرهیز او از پذیرفتن هویت‌های مجازی غیر واقعی است که با فطرت بشری و علت غایی دین منافات دارد. لذا در عصر جهانی‌شدن باید با پرورش تعقل، ارزیابی نقّادی احسن را در دانشجویان از طریق برنامه‌های تربیت دینی فراهم کرد.

امروزه بسیاری از نظام‌های آموزشی دنیا با توجه به تغییرات وسیعی که در جوامع بشری روی می‌دهد، کارایی مطلوبی ندارند و باید با توجه به تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و فناوریانه جدید، مورد تجدید ساختار قرار گیرند. فناوری اطلاعات، فرصت‌های جدید برای نظام آموزش از جمله در عرصه فرهنگی فراهم کرده است که با بهره‌گیری مؤثر از این فرصت‌ها و پتانسیل‌های موجود بتوان ساختاری در خور هزاره جدید بنا نهاد. (جلالی، ۱۳۸۱)

آموزش الکترونیکی و آموزش از راه دور، نمونه‌هایی جدید از روش‌های آموزشی هستند که با گسترش فناوری اطلاعات شکل گرفته و توسعه یافته‌اند. این دو نوع آموزش، بسیاری از محدودیت‌های روش‌های موجود را ندارند و افراد بسیاری می‌توانند با توجه به شرایط خاص از آنها استفاده کنند. در این نوع آموزش‌ها، مرزهای مکانی و تا حدودی زمانی، از پیش پای انسان برداشته شده است. (همان، ص ۱۷۳)

عده‌ای بر این باورند که جهانی‌شدن هیچگونه تهدیدی جهت دین‌زدایی نیست و حتی جهانی‌شدن، دین را نیز در بازار جهانی اندیشه قرار می‌دهد. از این رو، فرصتی را برای دین، تربیت دینی و فرهنگ پدید می‌آورد. فرصت از این لحاظ که دین، تربیت دینی و فرهنگ، می‌توانند با تکیه بر فناوری ارتباطات بر تعداد مخاطبان خود بیفزایند.

برخی جهانی‌شدن را قرین با رشد معنویت، اخلاق، آیینها و مذاهب گوناگون دانسته‌اند. برخی

نیز جهانی شدن را همراه با هجوم به ارزشهای انسانی، اخلاقی و دینی می دانند. برخی از آمار نشان می دهد که در جوامع غربی، شتاب جوانان برای مسلمان شدن حتی پس از ۱۱ سپتامبر و تبلیغات رسانه ها، بیشتر شده است. در برخی از جوامع نیز گرایش به مذهب به صورت مورد توجه قرار دادن مجدد اخلاق و ارتباط فرد با غیب تجلی یافته است. (ملکی، ۱۳۸۳)

در عصر جهانی شدن می توان وجدانها و فطرتهای انسانی را با بهره گیری از کلام و آموزه های وحیانی تحت تأثیر قرار داد. نه تنها مدارس و نظام رسمی آموزش، انتقال آموزه ها و تعالیم دینی را به عهده دارند، بلکه کانون این گونه فعالیتها؛ مساجد، کلیساها، پرستشگاهها و نهادهای دینی بوده و این امکان وجود دارد تا با بهره گیری از لوازم و تجهیزات مدرن و استفاده از امکانات جمعی و رسانه های گروهی، با مخاطبان خود به ارتباط معنوی برخاست. (میردامادی، ۱۳۸۲)

فناوری اطلاعات، منابع وسیعی را در دسترس یادگیرنده قرار می دهد و برای تعامل بین دو یا چند نفر یا بین دانشجویان و متخصصان آموزشی، فرصتهایی را فراهم می کند که از آن جمله برقراری ارتباط با افراد و گروهها، ملتها و ترکیبات قومی است. رشد جهانی به معنای ارتباط مداوم با ملل دیگر و فرهنگهای دیگر است. همه اینها احساس نیاز به سهیم شدن در ارزشها و بینشها را بر می انگیزد. (عطاران، ۱۳۸۴)

در قرن حاضر نظام دانشگاهی باید بکوشد با تمرین دادن انسان برای یک زندگی مشترک جهانی با هموعان خود، او را به سوی ارزشها و اخلاقیاتی سوق دهد که کلی و جهان شمول باشند نه جزمی^۱ و تک بعدی. انسان باید دارای حس همدلی و همیاری بالایی باشد و توانایی تحمل دیگران و معاشرت آنها را داشته باشد. معاشرت با دیگران؛ یعنی نهراسیدن از تضارب آرا، تلاقی اندیشه ها و تقارن آرمانها و خواسته ها. (همان)

مشکل اصلی انسان مدرن، بی هویتی و نداشتن معانی و آرمانهای متعالی در کنار تجربه مستقیم وحی از جهان است. استفاده از فضاهای مجازی آرمانی که ارزش تربیتی یا آموزشی دارند نیز با هدف آگاه سازی از فضایی چون: زیبادوستی، صلح طلبی و عدالت خواهی و نیز آشتی دادن دستاوردهای فنی بادستاوردهای انسان شناسانه، جهان شناسانه و دین شناسانه صورت می گیرد. (قادری، ۱۳۸۳)

برای حاکم کردن اخلاق و ارزشهای والای انسانی و توسعه مفهوم جامعه و فرهنگ، لازم است در فضای یادگیری شبکه جهان گستر، مسائلی چون: مهارتهای نقد و تحلیل منابع اطلاعاتی و

تحلیلی مسائل اخلاقی در برنامه‌درسی دانشگاه‌ها گنجانده شود.

بنابر این، در خصوص آثار مثبت جهانی‌شدن بر فرهنگ، می‌توان از تسریع تحرک اجتماعی، گسترش علوم و دانش بشری، افزایش ارتباطات، امکان فزاینده تبادل دیدگاه‌ها، درک متقابل فرهنگ‌ها، رفع سوء تفاهم‌ها میان دولت‌ها، ارتقای ارزش‌های مشترک ذهنی و احساس تعلق انسان‌ها به اجتماعی کلی تر دانست که به گسترش و تقویت همکاری و همفکری ملت‌ها و گشودن درهای استقبال به سوی هویت‌های فرهنگی متکثر منجر می‌شود. بنابر این تقویت محلی‌گرایی فرهنگی را باید در عین تکثرپذیری فرهنگی، در پروسه‌تعمیمی جهانی‌شدن جستجو کرد.

تهدیدهای جهانی‌شدن برای فرهنگ دانشجویی

از پیامدهای منفی جهانی‌شدن، تحت فشار قرار گرفتن دین و اعتقادات بومی است. در جهانی‌شدن، دین و تفکر مردم تحت فشار سکولاریزم و نسبی‌گرایی واقع می‌شود. این پیامدها، تربیت دینی و اصول و ارزش‌های مطلق دینی را تحت فشار قرار می‌دهد. هجوم ضد ارزش‌های فرهنگ غرب به کشورهای جنوب، با هدف مسخ فرهنگ‌های محلی و در واقع بی‌هویتی فرهنگی آن کشورهاست. ارزش‌های سنتی و دینی جامعه‌ما نیز روز به روز دستخوش فرایند جهانی‌شدن قرار می‌گیرند که این وضعیت، تهدیدی برای برنامه‌های فرهنگ دانشجویی در عصر جهانی‌شدن است. (نادرپور، ۱۳۸۱)

سیاست جهانی‌شدن فرهنگ‌ها درصدد است تا با سیطره یک فرهنگ، مسئله پلورالیسم فرهنگی را از بین ببرد و یک فرهنگ را با مؤلفه‌هایی که از روابط جدید اجتماعی و سیاسی بهره می‌برد بر همه افکار، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها حاکم سازد. جهانی‌شدن سیاست، فرهنگ و اقتصاد، ارزش‌ها و آموزه‌هایی را با خود به همراه دارد که به طور عمده در تعارض با باورها و ارزش‌های دینی است و این امر، آموزش مطلق دینی را با تهدید مواجه می‌سازد. (سجادی، ۱۳۸۲)

«علم‌گرایی»، «نسبی‌گرایی» و «ناشکیبایی در برابر دین»، از جنبه‌های دنیای معاصر است که هر یک از آنها برای دین مشکل‌آفرین هستند. لذا باید در عصر جهانی‌شدن در برنامه‌های معرفت دینی دانشگاه‌ها به این تهدیدها توجه کرد. (عصمتی، ۱۳۸۲)

در اثر جهانی‌شدن، بسیاری از آموزش‌هایی که توسط پیامبران و مریبان و متفکران بزرگ الهی، فرمول‌بندی شده بود، کم‌رنگ شده‌اند؛ زیرا زندگی بیش از پیش تابع تمایل مصرف‌گرایی است.

مصرف‌گرایی، مدپرستی و شیء پرستی که توسط تجارت آزاد و جهانی‌شدن غربی افزایش یافته، تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگی و نیز بهسازی تفکر و آگاهی انسان را عمیقاً تضعیف کرده است. (اسماعیل یصحانی، ۱۳۸۱)

گرایش و اتکای شدید و افراطی به رایانه و آموزش مجازی و نیز به کارگیری فناوری ارتباطی - اطلاعاتی، باعث بیگانگی انسان از خویشتن خویش که همانا فطرت خدایی اوست، می‌شود. این خودبیگانگی موجب جهان بیگانگی خواهد شد (شمشیری، ۱۳۸۲). پستمن^۱ معتقد است که رایانه در شکل کنونی ممکن است به حل بعضی از مسائل شخصی کمک کند، ولی ارزشهای اخلاقی - اجتماعی را سست می‌کند و به حاشیه می‌راند. به نظر او، الهه فناوری نمی‌تواند برخی مهارتها چون مهارتهای شهروندی را در دانشجویان ایجاد کند که این مسئله تهدیدی برای فرهنگ دانشجویی است (عطاران، ۱۳۸۳). دانشجویانی که وقت خود را جلوی رایانه می‌گذرانند، وقت کافی برای آموختن ارزشهای انسانی نخواهند داشت؛ زیرا ارزشهای انسانی در موقعیتهای واقعی و در مواجهه با دیگران آموخته می‌شود؛ مانند موقعی که دانشجو تصمیم می‌گیرد تقلب کند یا نکند، به دوستش توجه کند یا به او التفاتی نداشته باشد. بعلاوه، استفاده از رایانه در دانشگاه توجه را بیشتر معطوف مسائل فنی خواهد کرد و جایی برای مسائلی انسانی باقی نخواهد گذاشت و سبب فقر محتوایی اخلاقی دانشگاه خواهد شد. سرانجام اینکه، رایانه تلویحاً ارزشهایی را آموزش خواهد داد که ما خواهان آموختن آن نیستیم و در نهایت، بی‌توجهی به ارزشهای اخلاقی و به خصوص ارزشهایی که از طریق برنامه پنهان انتقال می‌یابد، ارزشها، تعالیم تربیت دینی و به طور کلی فرهنگ را در معرض خطر قرار خواهد داد (عطاران، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷). جهانی‌شدن، موجب تضعیف هویت‌های ملی و فرهنگ جهانی، منجر به تسلط هویت‌های دیگری می‌شود؛ به نحوی که تحمیل فرهنگ غرب، از خود بیگانگی، تشدید به هم ریختگی جوامع سوم و... از نتایج این رویکرد است. در چنین شرایطی شاهد نابودی ارزشهای ایدئولوژیک فرهنگی و هویتی جوامع دیگر خواهیم بود.

پیشنهاد‌های عملی جهت ارتقای فرهنگ مطلوب دانشجویی

با توجه به چالشهای مطرح در قرن حاضر در بعد فرهنگی برای دانشجویان، پیشنهادهایی به شرح

1. Postman

ذیل ارائه می‌شود:

۱. تحوّل و بازنگری در حیطه فلسفی و نگرشی در حوزه‌های فکری جامعه و دانشگاه.
۲. بازآفرینی فرهنگی از طریق برنامه‌درسی پنهان و ایجاد و تقویت ارزشی، مهارتی و نگرشی در دانشجویان در زمینه مهارت‌های اجتماعی.
۳. ارتقای خودپرورشی از طریق خلاقیت، توانایی تصمیم‌گیری سریع و خودآگاهی.
۴. افزایش تعداد راه‌های جدید و گسترش تنوع برنامه‌ای در دانشگاهها.
۵. تأکید بر آموزش تجربی و دادن فرصت جهت عمل کردن به یادگیری‌های انجام شده و پرهیز از مطلق‌انگاری فرهنگ خود در عین حفظ هویت ملی.
۶. ایجاد بستر مناسب جهت رواج و تقویت روحیه علمی و تحقیقی در بین دانشجویان و استادان.
۷. تقویت ارزشهای معنوی و انسانی چون برقراری صلح، نودوستی، همدردی، پرهیز از خودمحوری، ایجاد نگرش مثبت نسبت به تفاوت‌های جنسیتی، جسمی، قومی و نژادی.
۸. اشاعه باورهای علمی و تقویت روحیه انتقادی - منطقی.

نتیجه‌گیری

فرهنگ در باورها، پندار، کردار و گفتار مردمان خودنمایی می‌کند و ریشه در وجدان جمعی دارد و در جریان تربیت، در وجدان فردی تجلی پیدا می‌کند. فرهنگ، روح اقوام و ملت‌هاست و دگرگونی و نابودی آن بسیار کند است. هویت اقوام و ملل از فرهنگ و خرده فرهنگ آنان بر می‌خیزد. از همین رو، هستی فرهنگ در هویت ملل نهفته است. هستی و هویت ملی از فرهنگ کلان ملی نشئت می‌گیرد.

امروزه دانشجو در دانشگاه در آستانه ورود به خانواده بزرگ جهانی و در حال خروج از فردگرایی و انزوا، با انبوهی از اطلاعات، دنیایی متغیر، ارزشها و هنجارهای متزلزل، تضادهای گروهی، تعارض بین نسلی و... روبه‌رو شده است. باید برای دگرگونی آماده شویم و این امر، نیازمند فرهنگ‌سازی، آموزش در جهت تقویت رفتارهای عقلانی، گسترش روحیه در حال تغییر، تبیین سرعت تحولات برای افراد جامعه، منسوخ کردن ارزشهای غیر کارا، تطابق ارزشهای سنتی با

روشهای عقلانی جدید است تا بتوان از شدت گرفتن کشمکشهای فرهنگی و عصیانهای گروهی در جامعه کاست. دانشگاه در زمینه انتقال فرهنگ مطلوب به دانشجویان، نقش بسیار مهم دارد و در واقع؛ از مهم‌ترین وظایف آن است.

جهانی‌شدن، موجب تضعیف هویت‌های ملی و فرهنگ جهانی، منجر به تسلط هویت‌های دیگر می‌شود؛ به نحوی که تحمیل فرهنگ غرب، از خود بیگانگی، تشدید به هم ریختگی جوامع سوم و... از نتایج این رویکرد است. در چنین شرایطی، شاهد نابودی ارزشهای ایدئولوژیک فرهنگی و هویتی جوامع دیگر خواهیم بود.

در خصوص آثار مثبت جهانی شدن بر فرهنگ مطلوب دانشجوی، می‌توان از تسریع تحرک اجتماعی، گسترش علوم و دانش بشری، افزایش ارتباطات، امکان فزاینده تبادل دیدگاهها، درک متقابل فرهنگها، رفع سوء تفاهمها میان دولتها، ارتقای ارزشهای مشترک ذهنی و احساس تعلق انسانها به اجتماعی کلی تر دانست که به گسترش و تقویت همکاری و همفکری ملتها و گشودن درهای استقبال به سوی هویت‌های فرهنگی متکثر، منجر می‌شود. بنابر این، تقویت محلی‌گرایی فرهنگی را باید در عین تکرپذیری فرهنگی در پروسه تعمیمی جهانی شدن جستجو کرد.

تأثیرات جهانی شدن بر فرهنگ دانشجویی در دو بخش فرصتها و چالشها تبیین می‌شود. از مهم‌ترین فرصتهای جهانی شدن برای فرهنگ دانشجویی، می‌توان به آسان شدن زمینه برای آگاهی دانشجویان از فرهنگهای دیگر و تعامل سازنده با آنها اشاره کرد. از سوی دیگر، از مهم‌ترین چالشهای جهانی شدن برای فرهنگ مطلوب دانشجویی، می‌توان به تلاش غرب برای سیطره فرهنگی بر کشورهای دیگر از جمله کشور ما از طریق معرفی فرهنگ خود به عنوان فرهنگ برتر نام برد.

منابع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۵۷)؛ **تعریفها و مفهوم فرهنگ**، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
۲. ابراهیم‌بای، غلام‌حیدر (۱۳۷۲)؛ **نقش آموزش در توسعه اقتصادی - اجتماعی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس
۳. اجتهادی، مصطفی (۱۳۷۷)؛ «**تحلیلی بر توانمندی‌ها و کاستی‌های نظام آموزش عالی ایران**»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۱۷.
۴. اسماعیل‌یصحانی، سعید (۱۳۸۱)؛ «**جهانی‌سازی و استراتژی مقاومت**»، کتاب نقد، ش ۲۴ و ۲۵ (پاییز و زمستان).
۵. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷)؛ **دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. بایلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۲)؛ «**دنیای در حال جهانی‌شدن**»، ترجمه محمدرضا حسن‌زاده، رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۴.
۷. پاول مارک، هنری (۱۳۷۶)؛ «**فقر پیشرفت و توسعه**»، مجموعه مقالات هانری بارتلی، ترجمه مسعود احدی، تهران، وزارت امور خارجه.
۸. جلالی، علی‌اکبر (۱۳۸۱)؛ **برنامه‌درسی در عصر فناوری اطلاعات**، تهران، انتشارات مدارس هوشمند.
۹. دانیل، گلین (بی‌تا)؛ **تمدنهای اولیه و باستان‌شناسی خاستگاه آنها**، [بی‌جا]، [بی‌نا].
۱۰. دژاکام، رضا (۱۳۸۱)؛ «**دیدگاههای مختلف درباره جهانی‌شدن فرهنگی و چالشهای فرهنگ دانشجویی**»، دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، ش ۴، ص ۸۴ تا ۹۷.
۱۱. دژاکام، رضا (۱۳۸۷)؛ «**نقش دانشجویان در تحولات سیاسی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)**»، دانشگاه اسلامی، سال ششم، ش ۱۵، ص ۴۷ تا ۵۶.
۱۲. رفیع، جلال (بی‌تا)؛ **فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد**، [بی‌جا]، [بی‌نا].
۱۳. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۲)؛ «**استراتژی کلان جامعه دینی در برخورد با جهانی‌شدن**»، نشریه نگاه، ش ۴۷.
۱۴. شریعتی، علی (۱۳۵۹)؛ **تاریخ تمدن**، ج ۱، تهران، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار.

۱۵. شعبانی، احمد (۱۳۸۲)؛ «جامعه اطلاعات ایران و چالشهای رویاروی آن»، فصلنامه اطلاع‌رسانی، دوره ۱۹، ش اول و دوم (اسفندماه).
۱۶. شمشیری، بابک (۱۳۸۲)؛ «بررسی تحلیل پیامدهای ناشی از گرایش افراطی به آموزش مجازی و فناوری ارتباطی و اطلاعاتی»، برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران، انتشارات مدارس هوشمند.
۱۷. شیخاوندی، داور (۱۳۸۲)؛ «جهانی شدن و هویت فرهنگی محلی»، رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۴.
۱۸. عصمتی، سید حسین (۱۳۸۲)؛ «قرآن، جهانی شدن و هویت مجازی»، مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ناشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ص ۱۵۳.
۱۹. عطاران، محمد (۱۳۸۳)؛ «تحلیل رویکردهای نقادانه بر توسعه فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش»، برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات، تهران، انتشارات مدارس هوشمند.
۲۰. عطاران، محمد (۱۳۸۴)؛ «جهانی شدن و تأثیر آن بر اهداف تعلیم و تربیت»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۱. عمید، حسن (بی تا)؛ فرهنگ عمید، [بی جا]، [بی نا].
۲۲. غریب آبادی، کاظم و همکاران (۱۳۸۲)؛ «جهانی شدن و تحول در مؤلفه‌های سیاست خارجی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال هجدهم، ش ۱۹۴-۱۹۳ (مهر و آبان).
۲۳. فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲)؛ «جامعه اطلاعات جهانی و گذر از الگوی حاکم»، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی (رسانه)، سال چهاردهم، ش ۳۵.
۲۴. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۰)؛ «گفتگو با فرانسیس فوکویاما»، روزنامه همشهری، شماره ذخیره ۲۵۲۸، ۱۸.
۲۵. قادری، مصطفی (۱۳۸۳)؛ «برنامه درسی آرمانی در محیط مجازی؛ برداشتی نو از برنامه درسی»، برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران، انتشارات مدارس هوشمند.

جهانی‌شدن و چالشهای فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور ♦ ۷۳

۲۶. کارنوی (۱۳۸۴)؛ جهانی‌شدن و اصلاحات آموزشی، ترجمه محمدحسن میرزامحمدی، تهران، یسپرون.
۲۷. کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۴)؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۸. کوشل، کارل پوزف (۱۳۸۰)؛ «جهانی‌شدن و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۳.
۲۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)؛ مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
۳۰. مجله گلبرگ (۱۳۸۱)؛ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، وابسته به پایگاه حوزه، ش ۳۶ (آذر).
۳۱. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)؛ جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران، دیدار.
۳۲. محمدی، ذکراالله (۱۳۷۳)؛ نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
۳۳. معین، محمد (۱۳۷۱)؛ فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
۳۴. ملکی، عباس (۱۳۸۳)؛ «جهانی‌شدن و توسعه: روندهای مسلط»، کنفرانس توسعه دانش فناوری در ایران، عوامل و موانع و راهکارها، تهران، دانشگاه صنعتی شریف.
۳۵. نادرپور، قربان (۱۳۸۴)؛ تأملی بر عملکرد وزارت آموزش و پرورش، ضرورت پرهیز از برخوردهای شکلی، [بی‌جا]، [بی‌نا].
۳۶. نش، کیت (۱۳۸۴)؛ جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر، چ سوم.
۳۷. نقوی گیلانی، مهرداد (۱۳۷۶)؛ «دانشگاه و اقتضانات علوم و تکنولوژی‌های نو»، سمینار جامعه، دانشگاه و فرهنگ اسلامی، [بی‌جا]، [بی‌نا].
۳۸. نیرره، جولیس (۱۹۹۶)؛ نقش دانشگاه در تحولات کشورهای جدید، [بی‌جا]، [بی‌نا].
۳۹. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۶)؛ سند اهداف، راهبردها و برنامه‌های معاونت فرهنگی و اجتماعی، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۴۰. ون‌جنکل، هانس (۱۳۷۶)؛ «دانشگاه، سازمانی برای پرورش خلاقیت و نوآوری»، ترجمه محمدحسین سلیمی، مجله رهیافت، ش ۱۶.

۴۱. بهکیشن، محمد مهدی (۱۳۸۰)؛ «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن» تهران، انتشارات نشرنی.

۴۲. رابرتسون، دونالد (۱۳۸۰)؛ «جهانی شدن»، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.

۴۳. شریعتمداری، علی (۱۳۵۴)؛ «رسالت دانشگاه و تعهد روشنفکر»، اصفهان، انتشارات قائم.

۴۴. کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)؛ «عصر اطلاعات»، ترجمه حسین چاووشیان، جلد دوم، تهران، انتشارات طرح نو.

۴۵. مائوروکین (۱۳۸۰)؛ «جهانی شدن تمدن سازمخرب یا ناتوان»، ترجمه محمود دیبایی، ماهنامه آفتاب، انتشارات قصیده.

۴۶. واترز، مالکوم (۱۳۸۱)؛ «جهانی شدن»، ترجمه اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

۴۷. میردامادی، مهرداد (۱۳۸۲)؛ «بازگشت کالبد: ارتباطات در فضای سایبرنتیک»، ماهنامه، کتاب ماه هنر، شماره ۶۱ و ۶۲.